



گزارش همایش تدوین در تاریخ شفاهی

غلامرضا عزیزی^۱

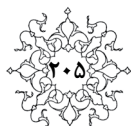
در ابتدای این همایش، نماهنگی درباره کتاب‌های اسنادی منتشر شده و در دست‌انتشار پژوهشکده اسناد برای حاضران در سالن پخش شد و سپس غلامرضا عزیزی، دبیر علمی نشست و رئیس پژوهشکده اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، گزارشی از نحوه فراخوان برای یازدهمین نشست و نتایج آن ارائه داد. وی بیان کرد که این دومین همایش تدوین تاریخ شفاهی است؛ در نشست هفتم که با عنوان تدوین بود، انتظارات ما برآورده نشد، در نتیجه در نشست یازدهم، دوباره به تدوین می‌پردازیم. از هشت ماه پیش، اطلاع‌رسانی در خصوص برگزاری همایش آغاز و فراخوان نشست یازدهم به شرح زیر منتشر شد:

«در ادامه سلسله نشست‌ها و کارگاه‌های تخصصی تاریخ شفاهی و به‌منظور توسعه مباحث نظری و کاربردی تاریخ شفاهی در عرصه تدوین، پژوهشکده اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران در نظر دارد با مشارکت انجمن تاریخ شفاهی ایران و همکاری انجمن ایرانی تاریخ، انجمن زنان پژوهشگر تاریخ، انجمن تاریخ محلی ایران و مراکز و انجمن‌های علمی-آموزشی؛ همایش ملی تاریخ شفاهی را با محوریت تدوین، در هشتم اسفند ماه سال جاری (۱۳۹۵) برگزار کند.

از صاحب‌نظران، مورخان، پژوهشگران، استادان دانشگاه‌ها و علاقه‌مندان به مسائل تاریخ شفاهی دعوت می‌شود مقالات خود را در زمینه محورهای ذیل به دبیرخانه همایش ارسال دارند:

۱. نقش منابع شفاهی در تاریخ‌نگاری معاصر؛
۲. جغرافیای پیش‌مطالعه و تنظیم بسته پرسشی در تدوین؛
۳. مصاحبه‌گر و نقشه‌جرائی تدوین؛

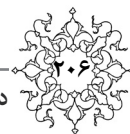
۱. رئیس پژوهشکده اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، دبیر علمی همایش؛ greazizi@gmail.com



۴. نقد و بررسی اطلاعات حاصل از مصاحبه؛
۵. ویراستاری متون مصاحبه؛
۶. سبک‌ها و گونه‌شناسی تدوین؛
۷. جایگاه تدوینگر در بازنشر منابع تاریخ شفاهی؛
۸. سامان‌دهی و گویاسازی منابع مصاحبه؛
۹. نشر منابع تاریخ شفاهی؛
۱۰. اسناد محلی و تدوین در تاریخ شفاهی منطقه‌ای؛
۱۱. سازوکار تدوین در تاریخ شفاهی عکس و فیلم؛
۱۲. نظام حقوقی در تدوین؛
۱۳. سایر موضوعات مرتبط با تدوین در تاریخ شفاهی».

هم‌چنین توضیح داد: «فراخوان را ابتدا برای دوستانی که در همایش قبل شرکت داشتند، ارسال کردیم، سپس در وبگاه پژوهشکده اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، به صورت عمومی فراخوان دادیم. امیدوار بودیم این نشست بتواند پاسخ‌گوی مناسبی باشد و به نتیجه‌ای مطلوب برسد، اما تا آذر ماه سال جاری، استقبال چندانی صورت نگرفت و تنها چهار مقاله به دست ما رسید. بعد از فراخوان دوم و سوم تعداد مقاله‌ها بیشتر شدند، اما تعداد آن‌ها نیز کم و در حدود بیست مقاله بود و متأسفانه اکثر آن‌ها به محورهای اصلی نشست مربوط نمی‌شدند. این نشان می‌دهد تدوین تاریخ شفاهی در ایران، هنوز جای کار دارد».

علاوه بر این اظهار کرد: «امروزه انتشار مصاحبه‌های تاریخ شفاهی شدت گرفته و ادامه دارد و روش‌های مختلفی برای تدوین آن‌ها صورت می‌پذیرد. بنابراین ضروری است درباره روش‌ها بحث کنیم که هر روش، چه نقاط ضعف و قوتی دارد تا پژوهشگران ضمن آشنایی بیشتر با روش‌ها، نقاط مثبت و منفی کارها را بشناسند و با مقایسه آن‌ها، به یک الگوی مناسب برای هر روش دست یابند. البته این، موضوع مقاله خودم هم هست. اگر بتوانیم قواعد مشخصی را تعیین کنیم، علاقه‌مندان این روش یا روش‌ها را انتخاب می‌کنند، یا حداقل از کار هم باخبر می‌شوند و نقاط ضعف و قوت را درمی‌یابند و می‌توانند آگاهانه و با شناخت کامل پیش روند. برای مثال اگر ویراستاری می‌کنند، بدانند که تا چه حد مجازند. در ذهن من هنوز این موارد تدوین نشده‌اند که از لحاظ حقوقی چقدر مجازیم در خاطرات دست ببریم تا الگوها را مشخص کنیم و به مباحث نظری مدون برسیم. برای مثال این دغدغه وجود دارد که تدوین از کجا آغاز می‌شود؟ قبل از مصاحبه یا بعد از مصاحبه؟ جغرافیای تدوین از کجاست؟ به‌عنوان نمونه من تدوین را از ابتدای مصاحبه می‌دانم. به نظر من نقشه مصاحبه، نقشه تدوین است. شما با پرسش‌هایی که می‌پرسید، مصاحبه‌شونده را براساس خط



فکری خودتان هدایت می‌کنید. پس تدوین از ابتدای مصاحبه آغاز می‌شود. بسیاری از دوستان هم همین نظر را دارند. منظور من این است که از همان وقتی که مصاحبه را کلید می‌زنید، تدوین هم آغاز می‌شود. من درباره آثاری که هم مصاحبه‌کننده و هم تدوین‌کننده دارد، نمی‌گویم این غلط است، این هم یکی از روش‌هاست؛ اما آیا اگر فرد تدوینگر، فیش‌برداری می‌کرد یا سؤال می‌پرسید هم همین فیش‌ها را برمی‌داشت یا همین پرسش‌ها را می‌پرسید؟! پس چه بسا روش‌های متفاوتی وجود دارند و هر کدام از روش‌ها، امتیاز و نقصانی نسبت به روش دیگر نیست»^۱.

یازدهمین همایش تخصصی تاریخ شفاهی
 با موضوع
 «تدوین در تاریخ شفاهی»
 با برگزاری دو کارگاه تخصصی در حوزه تدوین در تاریخ شفاهی
 دوشنبه ۹ اسفند ۱۳۹۵، از ساعت ۸:۳۰ لغایت ۱۷:۰۰



مکان: بلوار حقانی، سازمان اسناد ملی ایران (آرشو ملی)، سالن همایش

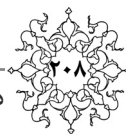
برگزار کنندگان: پژوهشکده اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی، انجمن تاریخ شفاهی ایران، انجمن منلی پژوهشگران تاریخ، انجمن ایرانی تاریخ

۱. به نقل از سایت تاریخ شفاهی ایران، به آدرس: <http://oral-history.ir/?page=post&id=۶۷۳۲>

وی گفت که این همایش، دومین همایش درباره تدوین در تاریخ شفاهی است، اما متأسفانه بازخوردی که داشتیم، مناسب نبود و از طرف محافل آکادمیک چندان مورد توجه قرار نگرفت. به گمانم تعداد آثار در خصوص چگونگی تدوین در تاریخ شفاهی، هنوز دو رقمی نشده‌اند، به همین دلیل هیئت علمی نشست، تصمیم گرفت در خصوص تدوین تاریخ شفاهی در ادامه همایش، کارگاهی نیز برگزار کند.

پس از صحبت‌های غلامرضا عزیزی، اولین بخش یازدهمین نشست تدوین در تاریخ شفاهی، با مدیریت علیرضا کمری، پژوهشگر و استاد در حوزه تاریخ شفاهی برگزار شد. اولین سخنران این بخش، دکتر ابوالفضل حسن‌آبادی بود که مقاله‌ای را با موضوع «اهمیت تعامل تاریخ محلی با تاریخ شفاهی در تدوین تاریخ شفاهی» ارائه داد.

حسن‌آبادی سخنرانی خود را این گونه آغاز کرد: «تاریخ محلی جنبه‌های موضوعی، احساسی و تجربی زندگی اجتماعی و تعامل انسانی را در بر می‌گیرد. در این اصطلاح مردم به‌خاطر نخبه‌بودن مورد توجه قرار نمی‌گیرند، بلکه به‌خاطر تعاملی که با محیط انجام می‌دهند، بررسی می‌شوند. مردم در لایه‌های زیرین معمولاً نادیده گرفته می‌شوند. شناخت از خانواده، طبقه، گروه‌های قومی، نژادی و بسیاری از جزئیات تاریخی، زمینه تعالی درک صحیح‌تری از تاریخ عمومی جامعه را فراهم می‌آورد. الکساندر پورتلی معتقد است که تاریخ شفاهی نه تنها به ما می‌گوید که مردم چه کار کرده‌اند، بلکه می‌گوید چه کاری می‌خواهند انجام دهند و در واقع آنچه که آن‌ها به انجام آن اعتقاد داشته‌اند و آنچه اکنون فکر می‌کنند که باید انجام دهند، چیست. ارتباط بین تاریخ محلی و شفاهی بسیار وسیع است و در بحث تاریخ و تاریخ شفاهی، مهم‌ترین حوزه، تاریخ محلی است. تا چه میزان می‌توان از تاریخ محلی استفاده کرد؟ معمولاً در تاریخ محلی حجم زیادی از اطلاعات جمع‌آوری می‌شود. این اطلاعات شامل آداب و رسوم، جشن‌ها، شادی‌ها، رنج‌ها و غم‌ها می‌شود، چون بحث هویت تاریخی یک محل است.»



مدیر مرکز اسناد آستان قدس رضوی سپس به اهمیت تاریخ محلی اشاره کرد و افزود: «تاریخ محلی در تاریخ شفاهی اهمیت زیادی دارد، به ویژه اگر اطلاعات تاریخی وسیعی را مشخص کنید. ما انواع تدوین در تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی داریم. در سی سال گذشته، در چند حوزه متفاوت، کارهایی صورت گرفته است. پژوهشکده امام خمینی^(ع) فعالیت‌هایی در زمینه تاریخ شفاهی شهرستان‌ها انجام داده است که می‌توان به خمین و تبریز اشاره کرد و خیلی از آن‌ها محلی و با استفاده از تاریخ شفاهی است. کارهای مرکز اسناد انقلاب اسلامی درباره سبزوار، همدان و گرگان هم در همین راستاست. حوزه هنری هم دست به انتشار کتاب تاریخ شفاهی محلی زده و خراسان شمالی نمونه‌ای از آن است و یک مجموعه در تاریخ انقلاب اسلامی است که رویکرد ادبی دارد، اما می‌شود آن را تاریخ محلی هم محسوب کرد. مصاحبه با رجال هم تاریخ محلی است. استفاده از تاریخ محلی و تدوین آن شکل آگاهانه‌ای ندارد. پژوهش‌ها سلیقه‌ای هستند و ساختار تاریخ محلی را رعایت نمی‌کنند و ارتباط وسیعی بین آن‌ها وجود ندارد. این پژوهش‌ها در شهرهای مختلف با رویکرد توصیفی است و کمتر رویکرد انتقادی دارد، در حالی که در دنیا بحث‌های بسیاری درباره تاریخ محلی انتقادی وجود دارد».

حسن‌آبادی در پایان سخنرانی‌اش، به موضوع خروجی در تاریخ شفاهی اشاره کرد و خاطر نشان ساخت: «در کشور ما روی کتاب و مقاله تکیه می‌شود، اما در دنیا این امر متفاوت است. ما می‌توانیم به سمت رادیو برویم، البته رادیو مطرح است، ولی روشمند نیست. مراکزی که در زمینه تاریخ شفاهی فعالیت می‌کنند، باید به لهجه در تاریخ شفاهی توجه کنند، به خصوص این موضوع در تاریخ محلی بسیار مهم است و چون الگو شهر تهران است، کمتر به آن توجه می‌شود».

دکتر مسعود آتشگران، یکی دیگر از فعالان در حوزه تاریخ شفاهی و فارغ‌التحصیل پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در رشته تاریخ، دومین سخنران این بخش از نشست بود و مقاله‌ای با عنوان «ملاحظات چند در چستی تدوین تاریخ شفاهی» ارائه داد. وی به معنای لغوی تدوین و سپس به مراحل تدوین اشاره کرد و گفت: «تدوین بر روی یک معنای کلی متمرکز است که ناظر بر فرایند پدیدآوردن و ساختمان‌کردن است و بر عنصر مواد اولیه و زنجیره‌ای از ساخت، استوار است. عملیات فرایند شامل ترکیب یا ادغام، برش یا جداسازی، جابه‌جایی، اتصال و سرهم کردن، حذف و اضافه است. پیامد این فرایند، انتقال معنا به مخاطب است. فرایند تدوین در تاریخ شفاهی از ذهن مصاحبه‌گر و مصاحبه‌شونده و پیش از هر اقدامی دیگر شروع می‌شود که باید آن را پیش تدوین قلمداد کرد».

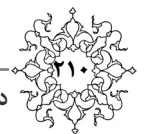




این پژوهشگر حوزه تاریخ شفاهی افزود: «خط قرمز و مصلحت‌اندیشی فردی و جمعی در این میان مهم است و مصاحبه‌شونده نیز در ذهن خود، تدوین را انجام می‌دهد و براساس این دو نکته، نکاتی را هنگام مصاحبه بیان می‌کند. تدوین در ذهن مصاحبه‌کننده نیز با انتخاب افراد صورت می‌گیرد. وی مدتی تحقیق و پژوهش می‌کند که چه فرد یا افرادی را انتخاب کند. نحوه تدوین در تاریخ شفاهی بسته به کاربرد متن، در دو حوزه دانش تاریخ و ادبیات متفاوت است.»

آشنایان مراحل تدوین تاریخ شفاهی را به تدوین اولیه یک، تدوین اولیه دو، تدوین میانی و تدوین تحریر تقسیم کرد و سپس به تشریح انتخاب شیوه‌های نگارش که تدوین اولیه یک محسوب می‌شود، پرداخت و بیان کرد: «مستند، گزارش نویسی صرف گزارش نویسی و فضاپردازی، گزارش نویسی و فضاپردازی و شخصیت‌پردازی، داستانی، رمان و طنز، از شیوه‌های نگارش است و استراتژی تدوین در این مرحله تأثیر دارد. تدوین اولیه دوم شامل مراحل نگارش و گردآوری داده‌ها، دسته‌بندی موضوع‌ها و تعیین فصول، پالایش داده‌ها، درجه‌بندی، گزینش و چینش اطلاعات متناظر شبیه، می‌شود. تدوین میانی به نحوه عمل تدوینگر در مواجهه با عناصر و اجزای متنی مربوط و شامل داده‌های کلامی به‌مثابه اطلاعات پایه، بافت متن، زمینه تاریخی، احساسات و عواطف کلامی، نظام ارزشی، لحن، حرکتهای غیرکلامی، نظام تبیینی ناظر بر روابط علی در متن، نظام تفهیمی ناظر بر طرح دلایل و بیان تفسیر است. تدوین تحریر نیز شامل مرحله انتهایی است و مواردی مانند تدوین در فضای کاربرد تکنیک و فنون بازنویسی، ضرب‌آهنگ متن و فضاسازی را دربرمی‌گیرد.»

سومین سخنران بخش اول همایش، مریم حاجی‌زاده بود و مقاله‌ای با عنوان «راهکارهایی برای تدوین در تاریخ شفاهی» ارائه کرد. وی اظهار داشت: «نتایج پژوهش ما نشان می‌دهد تدوین مصاحبه بایستی از همان ابتدای مصاحبه موردتوجه قرار گیرد، چراکه اگر از همان آغاز شیوه باید و نبایدهای تدوین مشخص باشد، مصاحبه نیز به سمت وسوی مسیر تدوین سوق داده می‌شود و این



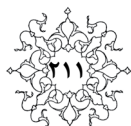
کار در سهولت انجام تدوین بهتر مؤثر است. هدف اصلی پژوهش این است که با ارائه تجربیات میدانی، به پیشرفت روش‌های تدوینگری در تاریخ شفاهی، کمک نماید».

حاجی‌زاده افزود: «در کار مصاحبه ضرورت وجود یک مصاحبه‌گر با انگیزه بسیار مهم است. این افراد باید علاقه‌مند و تاریخدان و در پرسش‌های خود دنبال حقیقت باشند و اطلاعات خود را درباره موضوع مورد نظر افزایش دهند. هم‌چنین درحین مصاحبه، از کاغذ و قلم استفاده کنند، اگر ابهام یا قضیه‌ای پیش آمد، یادداشت کرده و بپرسند و نیز به جزئیات توجه کنند. انگیزه مراکز تحقیقاتی، مصاحبه‌گر و تدوینگر، باید یکی باشد و تفکیک آن‌ها نابه‌جاست. تدوین گروهی که سبب تعامل اندیشه‌ها بین افراد گروه می‌شود، خوانش متن به دفعات، تفکیک اطلاعات غیرضروری و ضروری مصاحبه، رعایت ترتیب زمانی و پیوستگی رویدادها، تبدیل زبان شفاهی گفتار به نوشتار، گویاسازی کلمات، رفع تناقض‌های موجود در مصاحبه، رعایت و اعمال علائم نگارشی، کمک گرفتن از ادبیات، بهره‌گیری از اسناد موجود، اجتناب از تعصب و پیش‌داوری، ذکر اصطلاحات، لغات و مکان به زبان راوی، استفاده از پاورقی (پی‌نوشت) و تناسب اجزای متن، از موارد مهم در این زمینه محسوب می‌گردد».

این محقق در پایان خاطرنشان کرد: «در زمینه تدوین مصاحبه تاریخ شفاهی، ارتباط تنگاتنگی میان مصاحبه و تدوین وجود دارد. گرچه آغاز عملی تدوین بعد از پیاده‌سازی مصاحبه است، اما در اصل، مصاحبه با تدوین انجام می‌شود و بهتر است تدوین مصاحبه، توسط شخص مصاحبه‌گر انجام شود».

مرتضی قاضی، نویسنده و یکی از فعالان جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی، آخرین سخنران بخش اول یازدهمین نشست تاریخ شفاهی ایران بود و مقاله‌ای با عنوان «تاریخ شفاهی مردم‌نگارانه، ظرفیت ویژه‌ای برای تنوع در قالب‌های تدوین» ارائه داد.

وی سخن را این‌گونه آغاز کرد: «تمرکز ما در جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی، روی تجربیات است. انقلاب اسلامی بر دوش مردم بود و حضور توده مردم و جمهور در حوادث انقلاب، وجه ممیزه انقلاب ما با دیگر انقلاب‌هاست. تاریخ شفاهی به ما کمک می‌کند این حرکت را ثبت کنیم. جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی تمرکز خود را به‌طور تخصصی روی مردم قرار داده است. سایر مجموعه‌ها اغلب سراغ مبارزان، تبعیدشده‌ها یا رزمندگان رفته‌اند، اما دفتر مطالعات جبهه فرهنگی روی توده مردم کار می‌کند. این‌طور نیست که سراغ فرد یا قهرمان نرویم، ولی قهرمان‌های ما اجتماعی‌اند و از دل مردم هستند و بازخورد کارشان به خود مردم برمی‌گردد؛ مثل پیرزنی که برای جبهه نان می‌پخت. پس مسئله مهم، روح جمعی انقلاب در تاریخ شفاهی است. فعالیت‌هایی که شکل گرفتند، روح جمعی داشتند، یعنی گروه‌هایی از مردم دور هم جمع می‌شدند و فعالیت می‌کردند که به‌صورت عمده این فعالیت‌ها خودجوش بودند. برای ثبت و ضبط تاریخ این فعالیت‌ها

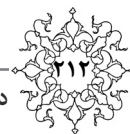


باید به سراغ جمع، جماعت و جمعیت مردم رفت. اساساً منظر نظر پژوهش‌های تاریخ‌شفاهی دفتر مطالعات جبهه فرهنگی رفتن به سراغ جمع‌های مردمی و در حقیقت جمع‌نگاری بوده است. مردم به شکل فردی یا با تشکیل جمع‌هایی برای فعالیت، جبهه فرهنگی تشکیل داده‌اند. در این جبهه فرهنگی، «مراکزی» وجود داشتند که به تولید «آثار» مشغول بودند و این آثار، توسط عناصری تولید شده‌اند، عناصری که اعم از گروه یا فرد هستند. برای دفتر مطالعات جبهه فرهنگی، مراکز فعال در جبهه فرهنگی نسبت به آثار و عناصر از اولویت و اهمیت برخوردار هستند».

نویسنده کتاب «حرفه‌ای» افزود: «آثار در جبهه فرهنگی به نسبت عناصری که این آثار را تولید کرده‌اند، از اولویت بالاتری برخوردار است. علت نیز آن است که می‌توان جبهه فرهنگی انقلاب را از آثاری که تولید کرده است، شناخت. به این جهت است که یک «اثر» در بین سوژه‌های دفتر مطالعات جبهه فرهنگی نسبت به عناصر تولیدکننده آن، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. در واقع دفتر مطالعات به دنبال آثاری در «فرهنگ عمومی» مردم است نه «فرهنگ خصوصی»، گروه‌های سرود و مساجد فعال، معلمان نهضت سوادآموزی و جهادگران جهادسازندگی از این جمله‌اند».

مرتضی قاضی در پایان خاطرنشان کرد: «رزمنده فرهنگی را با اثرش می‌شناسیم. مربی پرورشی باید یک اثر جمعی مثل روزنامه دیواری خلق کند. جمع‌نگاری یعنی گروهی از افراد، در یک زمان و یک مکان، کار واحدی انجام دهند. کتاب «جنگ جنگ تا پیروزی» با معرفی گروه سرود استان لرستان از این نمونه است که برای آن با چهل نفر مصاحبه شده است. آن‌ها بیش از هزار سرود خوانده‌اند و در حضور رئیس‌جمهور وقت، رهبر معظم انقلاب اسلامی هم سرود خوانده‌اند. در این کار از راوی سوم شخص استفاده شده، چون تمام خاطرات جمعی هستند. کتابی درباره مربیان پرورشی تبریز به اسم «سال‌های باکلاس» نیز یکی دیگر از این کارهاست. بحث اثرنگاری هم در جبهه فرهنگی مورد توجه است، چون اثری است که از فرهنگ عمومی مردم برخاسته و روی همین فرهنگ عمومی اثر گذاشته است. فیلم‌ها، نقاشی‌ها، نمایشنامه‌ها، داستان‌ها و مقالات، پوستره‌های نقاشی دیواری، سرود و تئاتر؛ از جمله آثاری هستند که مورد توجه بوده‌اند. اسناد خانگی نیز یکی دیگر از این موارد است. کتاب «عملیات فریب» یکی از اسناد خانگی و کتابی براساس دفترچه خاطرات شهید اسدالله قاضی از یک عملیات فریب و همراه با گویاسازی خاطرات است».

در پایان بخش اول نشست، علیرضا کمری، محقق برجسته در حوزه تاریخ‌شفاهی به جمع‌بندی مباحث مطرح‌شده پرداخت و گفت: «تفاوت بین محلی‌نگاری تاریخ‌شفاهی با تاریخ‌شفاهی، در تدوین اولی به اقتضانات مردم‌شناسانه و دومی در ذیل تاریخ‌شفاهی است. نهادها و مراکزی که متصدی کار تدوین هستند، خواه ناخواه به مدون می‌گویند چه می‌خواهیم، بنابراین تنها ذهن مدون نیست، بلکه سفارش‌دهنده هم مهم است. اینکه مدون خالی‌الذهن باشد تا حدودی شدنی است».





نویسنده کتاب «با یاد خاطره» با اشاره به مقاله ارائه‌شده از سوی مرتضی قاضی، تصریح کرد: «این کار مبتنی بر تجربه زیسته است و سه مسئله در بحث ایشان مدنظر است. تمرکز این مرکز در تولید و تدوین، نگاهی است که هنوز در آن بحث نشده و منظر تاریخ فرهنگی در تاریخ شفاهی است و این کار می‌تواند به یک مانیفست تبدیل شود. مراکزی که در حوزه تاریخ شفاهی کار می‌کنند، شیوه‌نامه ندارند و نهادها باید به این سمت بروند که شیوه‌نامه خود را مدون کنند».

بخش دوم نشست با مدیریت دکتر علی ططری آغاز شد و اولین سخنران این نشست، دکتر مجید تفرشی بود. وی به توضیح درباره مصاحبه با ایرانیان خارج از کشور و دیپلمات‌ها و سفرا پرداخت و اظهار داشت: «بحث تاریخ شفاهی بایسته‌هایی دارد که شاید در داخل کشور ظرایفی را بطلبد و در خارج از کشور نیازمند ظرایف دیگری باشد. وقتی فردی را بشناسید و برای مصاحبه سراغ وی بروید، شکل و نوع مصاحبه فرق می‌کند. در مورد افراد خارجی حتماً باید از طریق نامه باشد، چون به ایمیل پاسخ نمی‌دهند و بعضی از قدیمی‌ها نیز ایمیل ندارند. هم‌چنین نوع نگارش و ادبیات هم باید پذیرفته‌شده باشد. نوع کلامی که با ایرانی‌های خارج از کشور داریم نیز متفاوت است و در واقع صحبت کردن با یک چریک، متفاوت از یک سلطنت طلب است و هر کدام زبان مخصوص خودشان را دارند و این، کار را پیچیده‌تر می‌کند».

تفرشی افزود: «ما باید دنبال کسانی باشیم که تصمیم‌سازی می‌کنند، نباید دنبال اسامی باشیم و باید دنبال منابع مهم و دست‌نخورده بگردیم. ما سراغ کسانی که در تصمیم‌سازی‌های جنگ ایران و عراق بودند، نرفتیم و نتیجه این شده که چندین کنفرانس بین‌المللی برگزار گردیده و کتاب‌هایی منتشر شده است. در واقع آن‌ها دارند کتاب جنگ ما را می‌نویسند. ما تقریباً در عرصه بین‌المللی در این رابطه هیچ کاری نکرده‌ایم و تاریخ‌نگاری قلابی جنگ دارد به ما تحمیل می‌شود. این عرصه کاملاً خالی است و تاریخ شفاهی مغفول می‌ماند».

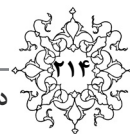


حمید قزوینی، یکی از افراد فعال در حوزه تاریخ شفاهی و مسئول بخش تاریخ شفاهی مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر، دومین سخنران این بخش بود و به کار خود در مورد نگارش خاطرات آیت‌الله مستجابی اشاره کرد و افزود: «باید زبان بدن مثل خنده و گریه را در تدوین مصاحبه، حفظ کنیم تا مخاطب با فضا و شرایط مصاحبه آشنا شود. ادبیات آیت‌الله مستجابی و مدل برخورد ایشان با پدیده‌ها، خاص بود و از همان ابتدا معلوم بود چاره‌ای نداریم جز اینکه ادبیات ایشان حفظ شود. مجموعه چیزها و هستی‌هایی که در گذشته رخ داده، نیاز به بازنمایی ذهنی و زبانی دارند. در فرایند بازنمایی راوی در ذهن و زبان وی، با هدف چیزهایی که در گذشته رخ داده، مسیر مفهوم‌سازی رخ می‌دهد و هرکس نگاه و تصویر خویش را دارد و تلاش می‌کند آن را بیان نماید. ذهن مختص هر فرد است و وقتی به زبان می‌آید، جهت تعامل با دیگران و به اشتراک گذاشتن موضوعی است».



قزوینی گفت: «نکته‌ای که باید به آن توجه کنیم این است که نمی‌شود در بررسی زندگی افراد، رویکرد یکسان با همه افراد داشت، به‌خصوص باید به زبان در بافت فرهنگ عامیانه و زندگی مردم توجه کرد. اگر ضرورت و اهمیت مطالعه زندگی روزانه مردم به‌عنوان ساحت عرفی برای رسیدن به درک درستی از رفتارهای مردم ضروری است، پس در این صورت زبان نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. اگر تاریخ شفاهی را گونه‌ای دموکراتیک در تاریخ‌نگاری بدانیم که مشارکت آحاد جامعه را به دنبال دارد، در این صورت زبان و بازنمایی‌های مفهومی ناشی از آن، اهمیت خاصی دارد».

دیگر سخنران این بخش، فائزه توکلی بود. وی گفت: «تدوین از زمانی شروع می‌شود که گزارش یا طرحی به یک سازمان یا نهاد اجتماعی یا فردی ارائه می‌شود». وی در ادامه به تشریح



مراحل خاص گزارش‌نویسی تاریخ‌شفاهی پرداخت و درباره عنوان تحقیق، هدف مطالعه و دوره زمانی، جایگاه نظریه یا چارچوب نظری، روش تحقیق در تاریخ‌شفاهی و میدان یا بستر مطالعه، طرح مسئله، نمونه‌گیری در تاریخ‌شفاهی، فنون داده‌یابی، اعتبارسنجی و نحوه نگارش داده‌ها و یافته‌ها صحبت کرد و در پایان به نتیجه‌گیری پرداخت.

پیمانہ صالحی، کارشناس‌مسئول تاریخ‌شفاهی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، آخرین سخنران این بخش بود و مقاله‌ای با عنوان «تاریخ‌شفاهی تدوین کتاب‌های درسی دوره ابتدایی و متوسطه (۱۳۰۰-۱۳۳۲ش)، ضرورت‌ها و ویژگی‌ها» ارائه کرد. وی هدف از نگارش این مقاله را بررسی پیشینه تدوین کتاب‌های درسی دوره ابتدایی و متوسطه و به‌طور اخص بررسی انتشار این منابع آموزشی در فاصله سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۳۲ش. عنوان کرد و افزود: «در بیان سیر تغییر کتاب‌های درسی در دوره موردنظر، بهره‌گیری از منابع تاریخ‌شفاهی موجود در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران در اولویت قرار گرفته است. روایت‌های دانش‌آموزان به‌عنوان خوانندگان اصلی این کتاب‌ها، تصویر روشنی از محتوای منابع آموزشی، روش‌های تدریس و جایگاه مؤلفان ارائه می‌کند. روش تحقیق، بنیادی - کتابخانه‌ای و توصیفی و تحلیلی است که با مراجعه به منابع دست‌اول تاریخی، اعم از مصاحبه‌های تاریخ‌شفاهی و منابع کتابخانه‌ای نگاشته شده است.»

این پژوهشگر تاریخ‌شفاهی ادامه داد: «در راستای ثبت تاریخ تدوین کتاب‌های درسی در دهه‌های گذشته، علاوه بر کتاب‌ها و اسناد، مصاحبه‌های تاریخ‌شفاهی با خوانندگان این منابع آموزشی، به‌خصوص شخصیت‌هایی که بعدها به جرگه دبیران و متولیان تعلیم و تربیت پیوستند، موجب تکمیل نانوشته‌های منابع مکتوب می‌شود و تصویر روشنی را از محتوای کتاب‌های درسی و جایگاه مؤلفان این کتاب‌ها نمایان می‌سازد. بررسی رویکردهای موردتوجه در نگارش کتاب‌های درسی دوره ابتدایی و متوسطه براساس پژوهش‌های مکتوب و صحبت‌های مصاحبه‌شوندگان تاریخ‌شفاهی، تاکنون در ایران چندان موردتوجه محققان قرار نگرفته است. با تعمق بیشتر در این زمینه متوجه می‌شویم که شناخت عوامل مؤثر بر تدوین کتاب‌های مذکور در دوره‌های گذشته، به اصلاح نگرش‌ها در تألیف منابع آموزشی در سال‌های آتی کمک شایانی می‌کند. این تحقیق بر آن است تا تدوین کتاب‌های درسی دوره ابتدایی و متوسطه در دوره پیش‌گفته را از دیدگاه مؤلفان و معلمان بررسی کند، ولی به‌دلیل عدم‌دسترسی به این شخصیت‌ها (چون در قید حیات نیستند)، از نظرهای مصداقی آن‌ها استفاده شد. این مصداق‌ها همان دانش‌آموزان دوره مذکور هستند که در آن سال‌ها در دوره ابتدایی یا دبیرستان تحصیل می‌کردند و بسیاری از آن‌ها بعدها به جرگه دبیران و مربیان تعلیم و تربیت پیوستند.»





صالحی درباره پژوهش خود گفت: «پس از تحلیل روایت‌ها و دیدگاه‌های مصاحبه‌شوندگانی که از صحبت‌های آن‌ها در این مقاله استفاده شده است، می‌توان نکاتی را استنباط کرد که در منابع منتشرشده کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. پس براساس اطلاعات استخراج‌شده از منابع تاریخ شفاهی موجود در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران در زمینه تدوین کتاب‌های درسی (۱۳۰۰-۱۳۳۲ش)، محورهای جایگاه مؤلفان، رقابت و سیستم چندتألیفی، برنامه‌ریزی درسی و شیوه‌های تدریس، نقش مراکز آموزشی، مراکز به‌عنوان انتخاب‌گر مواد آموزشی، محتوا و مطالب آموزشی، جنبه‌های بصری، برنامه‌ریزی درسی و شیوه‌های تدریس استخراج شد و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.»

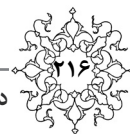
دکتر علی ططری در پایان بخش دوم، به صحبت در مورد مقاله‌های ارائه‌شده در این بخش پرداخت.

در ادامه یازدهمین نشست تاریخ شفاهی ایران، کارگاه آموزشی با مدیریت حجت‌الاسلام سعید فخرزاده برگزار شد.^۱

نخستین سخنران این کارگاه، مرتضی رسولی‌پور، نویسنده و پژوهشگر در حوزه تاریخ شفاهی بود. وی اظهار داشت: «ما درک واحدی نسبت به موضوع تدوین نداریم و مسائل اساسی تدوین هنوز بدون پاسخ مانده‌اند، چون ما در نقطه عزیمت تدوین دقیق نشده‌ایم. نقطه عزیمت از نگارش شروع می‌شود. تدوین یک امر و مصاحبه امر دیگری است و باید بین این دو فرق گذاشت. بحث تدوین بعد از مصاحبه صورت می‌پذیرد. چرا در تدوین تاریخ شفاهی ضعف داریم؟ به دلیل اینکه با بحث نگارش آشنا نیستیم. ما باید با زبان معیار پایتخت هر کشور کار کنیم. نوشته قواعد خودش را دارد و ابزاری نیز وجود دارد که بتوان به زبان بدن نزدیک شد. نوار گفت‌وگو موجود است و هر کس مایل باشد، می‌تواند بشنود. کاری که در دانشگاه هاروارد انجام شده کار جالبی نیست، چون عین مصاحبه‌ها پیاده‌شده که بعد از مدت کوتاهی به تکرار می‌افتند، ضمن اینکه همیشه زبان گفتار، مسائل پیرامونی را روشن نمی‌کند. اگر متن را بدون اصلاح جلوی مصاحبه‌شونده بگذارید، قبول

۱. به نقل از: سایت تاریخ شفاهی ایران،
به آدرس:

<http://oral-history.ir/?page=post&id=6897>



نمی‌کند این‌طور منتشر شود. در عین حال اگر ما به فنون و روش مسلط شویم، تغییر چندانی در مصاحبه به‌وجود نمی‌آید که متن اصلی با تغییر روبه‌رو شود. در شروع متن و مقدمه، در مورد فضای گفت‌وگو بنویسید تا خواننده بیشتر با مصاحبه‌شونده آشنا گردد».

دومین سخنران کارگاه آموزشی، دکتر ابوالفضل حسن‌آبادی بود و به انواع تدوین در تاریخ شفاهی، شاخصه‌های تدوین خوب و مؤلفه‌های تدوین در تاریخ شفاهی اشاره کرد و تصریح نمود: «انواع تدوین در تاریخ شفاهی به خاطرات فردی، جمعی، موضوعی و مجموعه مقالات برمی‌گردد. در چند سال اخیر، خاطرات جمعی مورد توجه واقع شده‌اند. مؤلفه‌های تدوین تاریخ شفاهی، اهداف مؤسسه‌ها، نیت‌های فردی، ضرورت‌های متن، محتوا و تأثیر آن، سبک نگارش و مصاحبه‌گر هستند. اهداف مؤسسه‌ها، سیاست‌گذاری‌های سیاسی، شیوه‌های خاص مصاحبه، خط‌مشی چاپ و انتشار، انتخاب تدوینگران خاص و شیوه هدفمند تدوین را در برمی‌گیرد».

رحیم نیکبخت آخرین سخنران کارگاه آموزشی بود. وی گفت: «مرحله تدوین یک فرایند است. لازم است قبل از مصاحبه، پیرامون موضوع مورد نظر مطالعات آرشیوی و اسنادی صورت گیرد. در هر پژوهشی باید یک پیشینه تحقیق داشته باشیم. در اولین قدم‌ها، نقاط کم‌رنگ تدوین در ذهن ما شکل می‌گیرند. هم‌چنین بعد از مصاحبه، پیاده‌سازی، موضوع‌نویسی و تکمیل مصاحبه مطرح است. متن از فایل صوتی یا تصویری به نوشتار تبدیل می‌شود که خودبه‌خود ویرایشی در آن صورت می‌گیرد و کسی که پیاده‌کننده است، تدوین اولیه را حین بازشنوایی انجام می‌دهد. موضوع‌ها در صورت لزوم باید جابه‌جا شوند و در جای خود قرار گیرند. چه‌بسا در پایان تدوین متوجه شویم بعضی از نکته‌ها ناقص یا مبهم هستند و اگر پانویسی لازم باشد، می‌نویسیم».

وی در پایان اظهار امیدواری کرد که خلاءهای موجود در این همایش باعث شوند فعالان و محققان حوزه تاریخ شفاهی به فکر بیافتند و به نگارش آثار متعددی در این باب بپردازند تا موانع و مشکلات این حوزه رفع شود.

در حاشیه برگزاری یازدهمین نشست تاریخ شفاهی ایران با عنوان «همایش ملی تدوین در تاریخ شفاهی» در ساختمان آرشیو ملی سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، نمایشگاه کوچکی از کتاب‌های منتشر شده در حوزه تاریخ شفاهی برگزار شده بود.

